

نگاهی گذرا بر تاریخ نگاری مملوکان و تعارض با ایلخانان

● ابوالفضل رضوی

مسیحی نوشته شده نیز در تکمیل مباحث و قضاوت نهایی می‌تواند یاریگر باشد.

در ارتباط با مورد اول که مطالب با دو دیدگاه متفاوت و تحت تاثیر ملاحظات سیاسی مطرح شده‌اند باید گفت اگر چه هر دو دسته از مورخان فوق‌الذکر سنی مذهب بوده و بی شک دلی پر خون از اعمال خلاف اسلام مغول‌ها داشته‌اند، اما اختلافات مذهبی و یا به‌ظن برخی محققان انگیزه‌های ملی‌گرایی نقشی در این خصوص نداشته، بلکه محدودیتی که این‌گونه مورخان با آن مواجه بوده‌اند موجب شده مطالب را با حب و بغض بیان نمایند. همین محدودیت باعث شده که مورخان قلمرو ایلخانی وقایع را به گونه‌ای مطرح کنند که مطابق میل ایلخان باشد. گویا آنها به دنبال آن بوده‌اند که شکست‌های نظامی ایلخانان در جبهه شام و بن‌بست‌سیاست خارجی آنها در آن حدود را نادیده گرفته و یا به اختصار بیان نمایند. مورخان قلمرو مملوکان هم، اگر چه در دستگاه حاکمانی مسلمان مطالب خود را نوشته و محدودیت‌های کمتری داشته‌اند، مسلمان بوده و رقیب را غیر مسلمان و مهاجم بر قلمرو خویش می‌دیدند و بنابراین روحیه مذهبی و سیاسی حوادث را آورده‌اند. این مورخان تا هنگامی که روابط سیاسی - نظامی دولت آنها با دولت ایلخانان خصمانه بوده، رقیب را محکوم کرده، سعی در ناموجه جلوه دادن آن کرده‌اند و آنگاه که روابط آرام بوده با مدارای بیشتری سخن گفته‌اند. بهترین حربه در جهت محکومیت فوق‌الذکر را نام‌مسلمانی رقیب یافته و حتی پس از مسلمانی آنها و در مراحلی که مناسبات خصمانه بوده از آن سود جستند. بدیهی است که مورخ سنی مذهبی که سقوط بغداد و قتل خلیفه عباسی و اعمال غیر اسلامی مغولان و هندستان آنها را به خاطر دارد و در دستگاه حاکمی مسلمان زندگی می‌کند نتواند و یا نخواهد حقایق را بازگو کند. البته شیوه نگارش مورخان عربی زبان در مراحل مختلف دولت ایلخانی متفاوت بوده است. در عصر ایلخانان غیر مسلمان و در زمان غازان مسلمان که مناسبات خصمانه‌ای با دولت مملوک داشته ایلخانان را سخت مورد حمله قرار داده و آنها را با عناوین کافر و ملعون و صفاتی از این قبیل یاد کرده‌اند. (۲) در این ارتباط اسلام‌گازان هم غیر

یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ ایران در عصر حاکمیت مغول توجه به تاریخ و تاریخ‌نگاری است. تالیف کتب تاریخی مهمی همچون جهانگشای جوینی، تسلیه‌الآخوان، طبقات ناصری، جامع‌التواریخ و دیگر تالیفات خواجه رشیدالدین، تاریخ و صاف، تاریخ‌بناکتی، تاریخ‌الجایتو، مجمع‌الانساب، مسامرا لآخبار، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، سیرت جلال‌الدین و دیگر منابع گواهی بر این امر می‌باشد.

بی‌شک تحولات عظیم ناشی از تهاجم مغول و علاقه فرمانروایان مغولی به زنده نگه‌داشتن یاد و نام‌آباء و اجداد خویش در این زمینه مؤثر بوده است. به‌طوری که عظام‌ملک جوینی در مقدمه اثر معروف خود تاریخ جهانگشا، صراحتاً به این نکته اشاره می‌کند. (۱) صرف‌نظر از چگونگی و علل رشد تاریخ‌نگاری در این عصر، یک نکته مهم که باید به آن اشاره شود نوعی بی‌توجهی یا کم‌توجهی مورخان فارسی‌زبان به برخی از مسایل و تحولات این دوره است. در این خصوص حوادث مربوط به سیاست خارجی ایلخانان و به‌ویژه تحولات مربوط به روابط آنها با دولت مملوک بیشتر جلب توجه می‌کند. برای اهل تاریخ آشکار است که رابطه با دولت مملوک و چگونگی آن مهم‌ترین مسأله مورد نظر دولت ایلخانی بوده و بعضاً سیاست داخلی آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌داده است. با وجود این در بسیاری موارد تاریخ‌نویسان فارسی‌زبان آنها را مسکوت گذاشته‌اند. این امر از یک طرف به اختلاف دیدگاه‌های مورخان فارسی‌زبان دستگاه دولت ایلخانی و مورخان عرب زبان دولت مملوک مربوط بوده و از طرف دیگر ناشی از میزان اهمیت مسایل مطرح شده برای هر یک از دولتین بوده است. به عبارت دیگر از یک طرف ملاحظات سیاسی در این امر دخیل بوده و از طرف دیگر اهمیت یا عدم اهمیت مسایل مطروحه مد نظر بوده‌است.

به هر علت مطالب منابع عربی دقیق‌تر و فراگیرتر بوده و بسیاری از مسایل مربوط به ایران و جهان اسلام را روشن‌تر بیان کرده است. البته این سخن به معنای کم‌ارزش جلوه دادن منابع فارسی نمی‌باشد. چرا که تنها با مقایسه و مقابله مطالب هر دو دسته از این منابع می‌توان واقعیت‌های امور را دریافت. در این ارتباط وجود دسته سوم از منابع که به وسیله مورخان

یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ ایران
در عصر حاکمیت مغول، توجه به
تاریخ و تاریخ‌نگاری است

بدون شک رابطه ایلخانان با
دولت مملوک و چگونگی آن مهمترین
مسئله مورد نظر دولت ایلخانی
بوده و بعضاً سیاست داخلی آنها
را تحت‌الشعاع قرار می‌داده است. با
وجود این در بسیاری موارد
تاریخ‌نویسان فارسی‌زبان آنها را
مسکوت گذاشته‌اند

واقعی جلوه کرده و در هر زمینسمی در برتری بخشیدن به دولت مملوک و ضعیف جلوه دادن رقیب شده است. در عهد ایلخانان مسلمان پس از غازان و بخصوص در دوران حکومت ابوسعید به پیروی از روابط مسالمت‌آمیز، لحن بیان منابع عربی آرام شده و دولت ایلخانی را با عنوان دولتی مسلمان یاد می‌کنند. (۳)

صرف‌نظر از مسایل فوق که تاثیرپذیر از ملاحظات سیاسی بوده است، آنچه به لحاظ سهم منابع عربی در تاریخ عهد ایلخانی مهم به نظر می‌رسد، مطرح کردن بسیاری از مسایلی است که یا در منابع فارسی زبان نیامده و یا به نحو خاصی ارائه شده است. در این ارتباط اگر چه ممکن است مورخان عرب زبان هم با حب و بغض مطالب را آورده باشند، اما از آن جهت که مطالب را ذکر کرده و یا با تفصیل بیشتری سخن گفتند کار آنان حائز اهمیت است. چرا که با مقابله مطالب آنها با منابع فارسی و نیز منابع مورخان مسیحی می‌توان تا حدی این نقیصه را برطرف کرد. (۴)

در این مورد که چه عواملی باعث شده تا مورخان عرب زبان با دقت و تفصیل بیشتری سخن بگویند می‌توان به این موارد اشاره کرد. برخورد با مغول‌ها مهم‌ترین مساله دولت مملوک بوده و در تمامی نبردهایی که با ایلخانان صورت گرفته شخص سلطان حضور داشته است. با حضور سلطان و بزرگان و سایر ارکان دولتی بی شک مورخان هم حضوری گسترده داشته و وقایع را با جزئیات و اشراف بیشتری آورده‌اند. در این ارتباط چگونگی و زمان بروز جنگها و درگیری‌ها، روابط سیاسی و مکاتبات مربوطه، عملکرد سپاهیان دودولت، شیوه برخورد حاکمان شام و جزیره (که محل برخورد دو دولت بوده) و حتی شکست‌های دولت مملوکان را منابع عربی با دقت و توجه بیشتری بیان کرده‌اند.

این در حالی است که مورخان قلمرو ایلخانی برخورد با مملوکان را در راستای سیاست کلی ایلخانان و مشکلات و درگیری آنها در دیگر نواحی آورده، از آن روی دقت و وسعت لازم را نداشته‌اند. در این بین اینکه شخص ایلخان هم در بسیاری درگیری‌ها حضور نداشته و مورخ نیازی به ذکر حوادث بدون حضور ایلخان نمی‌دیده مؤثر بوده است. مورد دیگر چگونگی بیان مطالب است. در حالی که منابع فارسی دوران حکومتی هر ایلخان را مدنظر داشته و وقایع را بدان طریق بیان کرده‌اند، اما روند کلی بیان مطالب در منابع عربی برحسب توالی ایام بوده و به طریق سالیانه، حوادث را آورده‌اند. از آن

شیوه نگارش مورخان عربی زبان در مراحل مختلف دولت ایلخانی، متفاوت بوده است در عصر ایلخانان غیر مسلمان و در زمان غازان مسلمان که مناسبات خصمانه ای با دولت مملوک داشته، ایلخانان را سخت مورد حمله قرار داده اند... اما در عهد ایلخانان مسلمان پس از غازان، بخصوص در دوران حکومت ابوسعید، به پیروی از روابط مسالمت آمیز، لحن بیان منابع عربی آرام شده و دولت ایلخانی را به عنوان دولتی مسلمان یاد می کنند

روی حوادث نظم و هماهنگی بیشتری داشته و جستجوی مطالب و ارائه آنها آسانتر است.

از مسایلی که در منابع فارسی مورد بی توجهی قرار گرفته و یا کمتر به آنها توجه شده برای نمونه می‌توان به اموری همانند: مساله حج و چگونگی انجام این فریضه مهم از طرف مسلمانان قلمرو ایلخانی و رقابستی که بر سر این مساله در عهد ایلخانان مسلمان وجود داشته، عملکردهای اسلامی ایلخانان در حرمین شریفین، حمایت آنها از شیعیان زیدی مکه، تلاش در جهت کسب نفوذ در حجاز (۵) عملکرد اقلیت‌های مذهبی و اتحاد عمل آنها با مغولان علیه مسلمانان هنگام حمله به شام، (۶) مسائل مربوط به روابط مملوکان با اولوس جوجی و اشتراک آنها علیه ایلخانان، (۷) مکاتبات و نامه‌نگاری‌ها و به خصوص آوردن متن برخی نامه‌ها که در منابع فارسی نیامده است (۸) چگونگی برخورد مغولان با مسلمانان شام و مصر و درگیری‌ها و نبردهای مربوطه... اشاره کرد. خوب است به این نکته توجه کنیم که در بیان مطالبی که هر دو دسته از مورخان فوق‌الذکر آورده‌اند هیچ تضاد و اختلافی بین مسلمانان قلمرو دودولت وجود نداشته بلکه آنچه برای هر دو دسته مهم بوده نوعی تلاش در جهت محق جلوه دادن و برتری بخشیدن به یکی از طرفین متخاصم بوده است که

البتدر هر دسته از منابع این امر شدت و ضعف دارد. از مهمترین منابع تاریخی مورخان عرب زبان این عصر که به جهت دارا بودن مطالب فوق‌الذکر مدنظر نگارنده بوده است می‌توان از: البدایه و النهایه این کثیر؛ السلوک لمعرفه دول الملوک مقریزی؛ النجوم الزاهره فی ملوک المصر و القاهره ابن تغری بردی؛ المختصر فی اخبار البشر ابی الفداء بدایع الزهور و وقایع الدهور ابن ایاس، الوافی بالوفیات الصفدی؛ شذرات الذهب فی اخبار من الذهب ابن عماد حنبلی؛ نهاییه الارب فی فنون الادب النوری؛ مسالک الابصار العمری؛ المسجد المسبوك ملك اشرف غسانی؛ رحله ابن بطوطه؛ العبر ابن خلدون نام برد.

سرانجام این نکته قابل یادآوری است که منابع فوق به لحاظ دارا بودن مطالبی در ارتباط با تاریخ ایران عهد مغول یکسان نبوده و شدت و ضعف با خود دارند.

پانویسها:
۱- جونی، علاءالدین عطا ملک، تاریخ جهانگشای، به سعی و اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران، ارغوان، ۱۳۶۷، ج ۱، مقدمه.

۲- ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ، البدایه و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۴۰۸ هج / ۱۹۹۸ م، ج ۱۳، وقایع سال‌های ۶۵۷ ه. ق. به بعد؛ الاتابکی، جمال‌الدین ابی المحاسن یوسف بن تغزی بردی، النجوم الزاهره فی ملوک المصر و القاهره، به اهتمام عبدالقادر حاتم، دارالکتب بالقاهره، ۱۳۸۸ ه. ق، ج ۸، صص ۱۴۶-۱۴۲.

۳- الاتابکی، پیشین، ج ۹، ص ۲۱۱؛ مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، السلوک لمعرفه دول الملوک، به تصحیح سیدمصطفی زیاده، مصر، مطبعه دارالکتب، ۱۳۵۵ ه. ق، ج ۱، صص ۲۹۰-۲۴۵.

۴- در این مورد منظور کتاب «تاریخ المختصر الدول» ابن عبری است (= ابن عبری، غریغور یوس ابوالفرج اهرن، تاریخ المختصر الدول، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴).

۵- مقریزی، پیشین، ج ۲، صص ۱۴۸-۱۴۷؛ ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، المختصر فی اخبار البشر، علی نفقه سید محمد عبدالطیف الخطیب و سرکاه، مصر، المطبعه الحسینیة، ۱۳۲۵ ه. ق.

صص ۸۰-۴۷؛ ابن کثیر، پیشین، ج ۱۴، ص ۸۰؛ ابن عماد حنبلی، ابی الفلاح عبدالرحی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، [بی جا] مکتبه القدسی، ۱۳۵۱ هج. ق، ج ۶، صص ۵۳-۳۲.

۶- ابن کثیر، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۴۱؛ مقریزی، پیشین، ج ۱، صص ۴۲۵.

۷- ابن کثیر، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۵۲، صص ۵۶-۴۴۵.

۸- الاتابکی، پیشین، ج ۸، صص ۱۴۶-۱۴۲ و ص ۱۵۷؛ نامه غازان خان به سلطان مملوک و پاسخ آن.

مؤسسه انتشارات گلستان هنر

با هدف گسترش فرهنگ کتاب و شناسایی اندیشمندان و فرهیختگانی که تاکنون موفق به نشر آثار تالیفی یا ترجمه‌ای خود نشده‌اند، طرح:

انتشار نخستین اثر

را به مرحله اجرا درمی‌آورد.

از کلیه مؤلفین و مترجمینی که آثار قابل ارائه به جامعه فرهنگی ایران دارند دعوت می‌شود که نسخهای از اثر خود را با توجه به شرایط زیر جهت بررسی و انتشار به این مؤسسه ارسال فرمایند:

- ۱) اولویت نشر با آثار تالیفی در حوزه‌های علوم انسانی و هنر می‌باشد.
 - ۲) تأییدیه صحت تحقیق از سوی مراجع علمی و دانشگاهی برای آثار تحقیقی ضروری است.
 - ۳) ارائه فهرست منابع و مأخذ مورد استفاده در کتاب ضروری است.
 - ۴) کتاب ارائه شده کمتر از صد صفحه نباید باشد.
 - ۵) نسخه ارائه شده بر یک روی کاغذ با خط خوانا و یا حروفچینی شده ارسال گردد.
- مؤسسه در بررسی و انتخاب آثار ارائه شده با توجه به ضوابط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مختار است.

نشانی: تهران - میدان ماز - خیابان شهید شائقی - کوچه دوم - پلاک ۱۶ - واحد ۲ تلفن: ۲۲۲۱۳۶۷ دورنگار: ۲۲۲۲۹۶۷